

۴۰۰ علی کاظمی

حق فره برقا مده
این حق همچنان حق است که بپرسید، جامد
سالمان از این با ارمان های قرآن پوچیده فرمد
گذاشتند است بعده به این لذت در تفسیر آیاتی
از مسورة نسل اشlarه من گفت آیه چنین است
قواید و لغات و لاتر کواه شنا و بالادین احصا
و بیشتر اقتصادی والبلی و السکان و العل العصب
والصحاب بالجنب و ابن السبل و مالاکت ایساکم
ان الله لا يحب من كان مختلاً لغيره (آلہ ۲۷)
بدهد در تفسیر آیه من گویند «فلمنه حقوقی
این توسط اسلام به عنوان درست انتقالات و
تمثیل او و نزد علیت حقوق والدين به عنوان صلاح
حال والدين و اسلام من شود» ابن موروجی
بروستکی و ارتیاط میان اعضا خانواده من شود
این ارتیاط اسلام و قدرت را پیدا من آورده نظیر
این حالت تضاد هر خانواده های که پاک دیگر
فریبت و نسبت بدلله اسلام و توانی مصلحتی
را به وجود من آورده که بایاری اگر قشن آزان
من توان به نظر منطقی که درای خانواده نسب
بر استند باری و سند این گروه محتاج همان
کفی هستند که خانواده هر آنها بر آنها باعث
«البلی و السکان» نام برده است خانواده
این مقام به رعایت حال پر تهم مغایر شود که است
چرا که مسؤول از کریمه نسبت به دلیل شکستن باری
نیرومند بخوبی احوال من شود
و هم به دلیل شکستن چنین بطوری ممکن
است به قریب موافق است اخلاقی گرفتار شود
این حالات نایاب مدنخلاتی و ترددی ممکن است
که به فرزشان دیگر چالصه نیز معتقد شود
همچنین تحریر نشان نداشته است که مادر به ذهن ای
فس توکل از عدهه قریب فرزند خود بر این مورد
علم اکبرین «نیز چنین است وصالح ساخته های
ایمنانی چون بازوج به ایشان و مسلمان داری
لوصاع اینها خس نموده اگر قریب شدن به این
گروهی توجه نمایند این گروه مصلحی خنکر
چالصه خواهد شد در شکست سکین حقیقی
مهم این است که بدینکم گاه انسان به دلیل خطف و
نشایانی از کسب و کار یا ملاطه دلیل نزول بالهای
آسمانی، دارای خود را از کندی دهد این
مسکین همان سکین حقیقی است که پاید او
را از رفع نهایش برای کرد لما گرمه دیگری نیز
هستند که ممکن است به دلایل چون اسرافه
مسنی در کسب و کار به کندی رسیدن گش
دیگر قریب ساخته و جمله گری در ماله مال و
سرمایه خود را تبدیل کرده باشند این گروه اخیر
اگر به راه نمایند و نسبت دیگران را نیز بدانند پاید
به ایشان کرد و این را به خدا پاسخ دهند^{۱۵}

﴿ حکمت تشریع عبادت
در دنیا کرد اجتماعی همده به تفسیر قرآن بحث
مهم دیگر سأله «حکمت تشریع عبادت» است
مهد معتقد است که ظرفه تشریع عبادت در
اسلام تهدیه روح و استقراری بین های اخلاقی
و اصلاح سلوك و ارتیاط اجتماعی است تا در نتیجه
آن مسلمانان در جلسه های این و همراه باشند
ستقبال زندگی کنند هر میانی که مباری گویی
و باز آورده نشاید مردود است چرا که مباری گویی
ذات خود نیسته عینه در این برایه هر تفسیر
بر آیه خوبی المصلین الذين هم من صائمون
سالمون الذين هم برائون و میمدون الماعون» (بuckurون ۲۲) من گویند «منظور از صائمون» بخ
ایه هر آن چیزی است که از آن باری خواسته
شود گشتن که نماز من گزارنده اعمال خود را
با انجام مسجد و جان اشغال می کند من گفت
که ضرری به دلگیری شان ارسد و از قریب های
نشستند و چنین متوجه جسم و جهشان نشود
وازسوی دیگر برای دیگران به سردم رانیز منع
من گشته و نوری حاجات و راحتی خاطر مردم
این گوشته اند این گروه در دین طریخ خود دروغ
می باشد و نماز اشان سودی به حاشیان ندارد در
این مسأله فرقی تبیان آنکه خود را مسلمان



قرآن و زمان

تنظيم حیات اجتماعی در قرآن از دیدگاه محمد عبد

من دانیم که همه ادیان آسمانی وظیله هدایت بشر را این اید «اصلاح و تنظیم جامعه» از یک سو و «اصلاح اعتمادی» از سوی دیگر بر عهده دارد اوضاع و احوال شبه جزیره هریستان و نیز جهان در دروان بخش پیامبر^{۱۶} و پس از آن شان من بعد که اسلام اصلاح امور اجتماعی را مهم می دانسته است. پس از آین تبیز هرگاه تنظیم و اداره امور چالصه بر اساس هدایت افرادی مطرح یوده است. پاسخگویی به نهاده ها و مناسبات جهات چند به کوئنای که با مکلفت عمومی چالصه سازگار باشد، مورد توجه اسلام یوده است. از میان مفسران معاصر در قرن چهاردهم، محمد عبد به این راجحه بخواسته به قرآن چنین بیان را از روی کرده اجتماعی قرآن را که من دهد در این مقام روزی کرد اجتماعی عبد به قرآن در چند محور بیان گرفته می شود.

می نامد و میان دیگران، پهلوانه حکم خداوند یکی
شست اولین آن سماو اوصاف هرچیز لرزش نداشتند مگر
آنکه با اعمال همه راه شوند، پنهان این ویژگی معتقد
بودند که اورا از دروغ نهان چنانی مسازد، عدل
و حکمت و نیز کوکلی بامروز مصلحت نیز ویژگی
دو رعایت کوکل و از پیش از آن بور مند به دین چنانی مسازد
نهایا سبک شمردهن حقوق ناقوانان، کم اهمیت
قتل شدن برای رفع های مردم، میلهات کردن به
توانی خود و چلوگیری از یکیکی و تحسان به کسی
که سزاوار آن است و باشد

بر اینستی آیا من توان مخفی صریح بر از این
در تحریر، اختقاد به دین و بیان صفات آن و نیز
هر تصریح دین‌گذاری غوغاین و بیان و پیزش‌های
آن باقی است؟ اینکه وظیفه سلطان است (عمل
ک‌لای) که می‌پندازد به آیین محمد (رس) آیمن
درارند (که احوال خود را این آیه مفایسی کند
تا پنداش از کدام دستگاه مستبدان به دین با
ازوین می‌توان غوغاین نیز وظیفه ایشان است
که به خواهین نظرخوازی که تنهای در جواز ایمان
نموده‌اند پایان فخر نفرشوند و به روزهایی که اثر
آن فقط در هم‌وسوس بودن چهار خوشکنی زبان و
تلخال اوقافشان پیدا می‌شود، می‌باید تکثیر
سلطان باشد به حقیقت آیین خود بازگرداند و
غصه‌زی و اقامه کشند که با خشوع همه پاشند
نظرخوازی که کوشش در متناسب قدرت الهی، انسان
روشی خداوند و روایت عزم اهل را در پی داشته
پایشند، همچنان به روزهای روزی بیاورند که بر

تمبللات و شهروات غلبه شوده بر این صورت است که وزویه گرفتن آشنا، برای روز مطر و درگران جز خیر هر بر لغوانه داشت. مسلمانان بايد زکات مل خود را نمایند و هزار دار و از مستحبی هایی که هر حمل و اتفاق مناسب بدخل نوروزند.

ایام مسلمانان نصیحته که تا چه مایه گرفتار
شف و نلت شدند و آینه های متعدد که دیگران
چونکه سر زمین های اپشان والاز هر سوزیر سلطنه
خود هم گیرند؟ پاید بدانند که اینها همه عذاب
الله بر پنهانداری دروغین است برای رهایی از این
همه پایسده راه معتقد واقعی به دوین را در پیش
گرفت و مقتضیت که تنهای امورت انساب به دین
کافی نیست بلکه باید قدر مرادهای خود را نهاد که
نه صحن و عقل آن را پیشه هاد کرده است و^{۲۰}

از نظر عیم

ایام مسلمانان نسی و نند که تاچه ماله گرفتار
شف و نلت شده‌ند و آیانی به نند که دیگران
چگونه سورمین های ایشان را از هر سوزیر مسلط
خوده گیرند؟ پاید بلهند که ایمه‌ها مهد عذاب
الهی بر دشمنیاری دروغین استه برای رهایی از این
همه پایبداره معتقد واقعی به دین را در پیش
گرفت و دلست که تنهامورت انسان به دین
کافی است بلکه باید قدم دوره هدایت نهاد که
نه صحن و عقل، آن را پیشنهاد کرد هاست و^۵

از نکات پس از مقدمه دیگر در پایان نظریات عده
در پایه آموزش و تربیت فرانسیس، توجه او به اصلاح
برونوئه تعلیم و تربیت دینی است. هر نظر عده در
نظام تعلیم دینی، تبلید به خواستن و حفظ آیات
قرآن اکتفا کرده بلکه تختست باشد. اعتماد سلامی را
خوب توصیح نداره گونه ای که تبدیل به موضوعی
مسود علاوه بر افراد شردو و مسلمان را به
تحصیل فضایل دینی و اداره این لسر بین عالی
تختست جزو باسلوک عملی. سلیمان که با هدایت قران
و سنت و عمل مصلحته مسأله کار پاشند.

نیز کارسازترین فرآهنگ‌های اسلامی جامعه مصری
نمی‌شود است. این می‌تواند ملکیت در تغیر
آهان افزاین سوره علی پس از بیان فضیلت علم
و عملهای امروزی می‌گوید. حجع میان و دلبلی رسانی و
فاطح تراز آنکه سوره علی برخلاف این فصل خواهد
نوشت و تعلیم وجود ندارد. اگر مسلمان از این

توانست اهداف و آفتاب اسلام را بایران و تشریف
کرده و شاید بدین دلیل دفعات کنند و باشدان و
بدخواهان اسلام از در بخت و مناظر هر آینه
چیده تمام این سلطان را می خواهد و در این سورت
کرده است هفتم حلقه فیه من بعد ماجداری
من اسلم قفل تعالی از دفعه پیش از اینها نیز نیست و
نشانکم و نشناور نیز نیست، تمیتیش فتح محل از
الله علی الکثیرین (آل عمران ١٦) ^۱
افراد بسیاری در ساله تمامیم و تربیت زنان
از اینهمانگاه اصلاحی هم به نایابی غیر فتح شدند
و شیرخواران این میان از پیشگامان است که مر
ذلیل نفت بر عده برای پیش گفت این گویند در
لبن آیه دلالت‌هایی می‌بینم بر امر شرکت زنان
در امور قومی و دینی جامعه این منسٹر را کشت براین
لسان مبتدا است که زن در تمام امور پهلوی
مزد خاصی که استثنایش است مثل حضور
مستقیم در چهار- مائند مرد پاکت حکمت
دعت به مبالغه همانا اظهار و شوق و پیش به
استفادات است اگر خداوند نمی‌باشد که زنان
می‌مزنی تیر مائند مردان می‌مزنی در استفادات خود
به یقین رسیده مانند اثناں وادر این حکم با مردان
شیرک نمی‌گردند ^۲

اینکه باید پیرمردم اوضاع و احوال زنان در
چالمه مادر این باب چگونه است؟ نیز باید پیرمردم
که مقدمه ملته مردم در مسأله شایانگی زنان
چیست؟ بلطف خود باخ این دروست بگویید زنان
نه از حقوق دین و اختلافات و همگانی های مسلم
ما و دیگر جوامع اکثری طرز و نه سامردان در
رفشارهای دینی و اجتماعی مشارکت ندارند اما
به داشتن این اسلام است که بر زنان حقوق انسانی
غروندست - مخصوصاً شهرها - و اجب کرد که
چیزی جز نوشیدن و بوشیدن و ارایش کردن
نداشند؟ و آیا این اسلام است که بر زنان جوامع
غیر - مخصوصاً هدکشان و جاهانی دور است
سچنین رواهاتی که ملکه گلو کفر کنند و فرزند
بر زبان؟ ای اسلام! علم دین و حیا و مشارکت در
بهره و از زنان دو طبقه از زنان بر کثر داشته است؟
هر چنین توسته بلکه این مردان هستند که
از فرمان های الله مسوّج چندند و به حکم
توانی های مردگان، زنان را در چنین وضیعتی قرار
داده اند این مردان اند که با چنین رفتاری دیگر و
خشاست و شخصیت زنان را تا حد لذتگیرانه کرده اند
وقتی زنان در چنین حالتی باشند معلوم است که
پسران و دختران نیز اگر تربیت خوبی بخوردار
نموده اند بود. هو گروهه به تربیت زنان توجه کردند
خشاست کسانی که از ازادی زنان و مشارکت ایشان
در شرکت زندگی در بین هنایت اسلامی بودند و
گروه دیگر کسانی که همین اهداف را باید توجه به
نمدن از پهلوانی دنیا می کنند. مسلمانان در بین
چنین مندانه ای، دختران خود را به کفر کوشن
خواهند و نوشتن و فرا گرفتن زبان های ایلوپهای و
بعضی کلرهای دستی مانند خیاطی گذاشتند اما
چنین امور شاهی ربطی به تربیت دینی و اصلاح
عادت و اخلاق ندارد بلکه اینها را جمله فرگاهی
نفاذیه ای اجتماعی اند که سرتیبلی نملعوم
دارند.^{۱۰۷}

ید گوئی های که در کتاب و سنت آمده است در پرونده
گنجاند

۴- خراسان مرحله باید روشنی را در تعلیم و
تربیت این مردم گرفت که با این مقادی از آن
در رفاقت هم اند و خود هایی که تابع حال بدست
امداد است حفظ شده و به آنها اعمل شود.

۵- تعلیم و تربیت فرقون و علومی که در
مرحله بیشین به آنها اشاره شد، باید
شمن پر خود را بر از اصول و روش
مستند به شرع باشد و به گونه ای
که مأخذ خود را تکثیف و سنت
صحیح به دست اورده باشد و تبیز
از قول صاحبه و عالمی صدر اوی
سقنه اند غایلی و محتل آن

۶- در آخرین مرحله باید به
فن و علیم توجه گرد که آن را
علم خواریخ دینی^{۱۰۸} من نامیدم در
این علم، خصوصاً باید سیره نبوی
و اصحاب و خلفای راشدین را در
تلقی و داشتن عجده ایشان به این مطلب
توجه می دهد که علم در تهافت و
علم استه علم ظاهر و علم باطن،
این دو علم، بواسل است و مجموع آن دو علم عوام
پر کردن اصلح مطرح استه و کن در گیر مملا
تربیت است که به وسیله علم ظاهر و باطن
لباجم می گیرد تا بر تسبیح، علوم سلطنه راسخه در
نفس شوند که افعال و اعمال انسانی بدون تأمل
قبيل از آن صادر شود.^{۱۰۹}

موضوع دیگر مربوط به ای عینه در پایه تعلیم
و تربیت دینی که در سایه رویکرده بجهت اینکه لو
قابل طرح استه مسأله اکلی داشت به زنان جوان
و تربیت فکری ایشان است همde به این مسأله
سیار توجه دارد و تاکید می کند که این گروه از
حالمه اسلامیان را شرعاً خوب داشتند از اکلهم و

میشتم اسراف و تبذیر

فر جمیع‌های دیگر رویکرد اجتماعی عده‌نه
تفسیر قرآن که نمودی اشکار فوتشم را پر فرقان
دارد، توجه ا لو به سه مبحث خیابان، اسراف و
تغیر مل است. عده‌های بایبل اهیت مل و اینکه
پایه کفر و قوان دولت استه به عالمان مساجد طنه
می‌زند که جراحت مردم را بزده و درون بیوهه از
ذین فرمان خواسته، اور در تفسیر مسورة طلاق از خواسته
الله‌ای کام که جمل الله‌ای کام شیخ احمد^(۱)
می‌گویند خداوند در آیه فرموده است «الله‌ای کام»^(۲) و چنین
و نه «الله‌ای کام» با اینکه خطاب ا به او لیست
و سال از آن سفیدهای است که در ولایت ایشان
قرار گرفته این مسئله برای اکثراً عذون به این
نکته است که افاده جمله مسلمانی گویند که
بگذیرند و ملاحظت هر چیز از ایشان عن

وجه همت خود کردند و در آینه هر سخن گفتند.

آذار سلوك و همزستي اجتماعي
آخرین بیان که درباره روپرکره اجتماعی عده
به قرآن کریم مطرح نشسته است آذار سلوك
و همزستي اجتماعي است این به دست نظر
بـ چنان که حسی از امنیت برخوبی پيدا شد است
ـ ربط و تنشیق با اثراي اسلامي او دلار حسنه با
ـ خواهش انساني و فبر مستوار تفسير «المثل» و
ـ دیگر پژوهش های تفسيری عده و فور مباحثت
ـ اهمانی مران سازه اين توجه مروي شد که
ـ گوئی با يك جامعه مشتمل روپرکره هسته عده
ـ مثلا هنگام تفسير آيات مراد په نشان را کلت و
ـ همکر عملت و واجهاته گوئان تفسيری نتوء و
ـ توخالی از آنها مهد به که اسكندر امیر آن است
ـ که لارياما اين موارد را با اين ادعي اجتماعي زست
ـ شهر گشته و معرفتی گند همه به از اهله تفسير هاي
ـ اجتماعي از مؤولات کمالدارين شروع در صدد
ـ آن است که آن حسته از لريش هاي اجتماعي را که
ـ بجزي چشم سودمند است معرفتی گند زيان هاي
ـ خفشت از آن را ايزان نداشت. روشی که عده پروري
ـ تعقیق این هدف پروري گزنده در حسته مائده روش
ـ صاحب نظران علم تعلیم و تربیت و روان شناسان
ـ استه عده ماهیت متشابه اين گروه را داشتمندان در
ـ مریقات هاي اجتماعي خوده از قرآن گوئی معتقد
ـ من دو دهه که استوارترین شهوده تعلیم و تربیت داشت
ـ هیرات است فریز طاطخان آن با اجتماعي مقابله
ـ مدين سلوك بد و افراد ناگران آن برای فرد و مطردان
ـ و قدر مغارهه ميل سلوك نيمکو و فوابند آن برای فره
ـ و مطردان اين قرآن در همان سوده تفسير ـ پس از
ـ پهلو احوال بد کاران ـ نيمکو کاران را چون معرفت
ـ من گند همه با اين انسان المطابقه در جسم اى
ـ روپا و ارضي مرضيه خاد خان، في همدادي و لطفلي
ـ جنتی (آخر) ۳-۲-۱۷۰۰ قرآن هر اين سوده در بیان
ـ احوال فعل همان به برش و وزگي هاي آلن اشاره
ـ من گند همه خوش باز اين اوصاف هاراست از بوس از
ـ افتراق و انتها روش کمال تبلکش، به انتسابی به احوال
ـ چشم، عدم اطمین و دستگيري از مستندان و
ـ حلبيستکن به محل و سکته اين اوصاف ـ چنان که
ـ عده توضيح مي دهد سفر الوصف گسلی است
ـ که اصل سلوك سمعي تقدح و در مقابله گسلی
ـ که از خداين اوصاف بر خود مارته و اهل سلوك
ـ حسنند عده در تفسير آيات اخرين سوده فهر
ـ با ايان مقارنه ميل اين دو گروه تفسيری اجتماعي

100

- ١- توفيق بن عثمان،
٢- المختار، ج ٣، ص ٦١.
٣- تفسير جزء في محرر، ١٩٧٤.
٤- مختار، من ١٦٦-١٦٨.
٥- مختار، من ١٦٩.
٦- تاريخ الاستاذ الازدينجي، ترس ٣٦٩.
٧- مختار، من ١٦٩.
٨- مختار، من ١٦٩-١٧١.
٩- مختار، من ١٧١-١٧٣.
١٠- مختار، من ١٧٣-١٧٤.
١١- مختار، من ١٧٤-١٧٥.
١٢- مختار، من ١٧٥-١٧٦.
١٣- مختار، من ١٧٦-١٧٧.
١٤- مختار، من ١٧٧-١٧٨.
١٥- مختار، من ١٧٨-١٧٩.
١٦- مختار، من ١٧٩-١٨٠.
١٧- مختار، من ١٨٠-١٨١.
١٨- مختار، من ١٨١-١٨٢.

می گویند: هچنین گفته شد که منظور از مقالت
خران آیده عدالت خود و برخاسته شده مولانا
است (بینی) این عدالتی که همگی آن را نکو
من شرمزنه عدالت خلیفی و امامی که اگر چنان
این بود دلایل آن و نیز آن پیشمند به گونه ای پیدا کر
عدم جواز تعدد زوجات بوده هچنین اگر منظور
از مدل در آیه اخیر، همان معنای پوش گفته شود
نه گر و همچنان برای میان هشت دیگری از همین آیده
بروئی خلاصه می شود که اصل فرق طاقت بسیار کان و اکه مول
خشنودترین اعمال فرق طاقت بسیار کان و اکه مول
قابس به انجام آنها اشاره نهایت خواستشی کند و
از آنها در موی گلند دسره پهلوان اسلام (ع) نیز
جشن بود که به عایشه پیش از دیگر کشورنش تعلیل
داشت اما بدون رعایت همسران دیگر، عایشه را
از لشایزی متصور بود و خود را نمی کرد.^{۳۷}

محلس داشتند که مدد و میر برای این مسأله بحث شد. مدد و میر در پیشنهاد میرزا علی‌اکبر مردم را متعجب دل نهادند. با این‌حال فرمیان رئیس‌الوزیر این‌گویی بود: دنده‌الله روزه‌چینی بسته است و تهدید زوجات مفاسد اسلام را برایان مبارز و ما می‌بینیم که پیشتر گسانی که به تهدید زوجات روزی اور مخدوشان گذشتگیری‌ای جز شهروندی ندانند.

مهدی آشگاهیان و خلیفه عالیان را به این‌شیوه گوژرده‌اند که با پایه روکردی نوبن به مسلمان تهدید زوجات در صدر اسلام قوایدی داشتند که می‌خواهند زنان آن پیوستگان اقوام و نسب و فرندی به کشورهای این‌شیوه اجتماعی و فتوحی می‌رسد. تهدید زوجات حر آن زمان، زبان‌هایی را که مالینکه‌خواه روزگار خود شلختد آن هست. تیم‌نشانش: هر کارهای خواه آن زمان دین فرد و جان مردهان و زنان مسلمان است. استقرار یافته بود و فرزند از موی تهدید زوجات متوجه چشم‌نمود. اما امروز چنین نیست. سروز: من بی‌فهم مثل‌آمدید که همسران من مخدوشان درآمده‌اند. روزی حلقه‌تله لرستانی که بیشتر از همسران دیگر کش او را دوست دارند پروردی می‌کنند. آنکه بخواهیم زبان‌هایی تهدید زوجات و این‌تصیل ایشتری بهان: کنیم. یادیده آسیمه‌هایی لشارة کنیم که وجود آنها لذت هر صاحب این‌میانی و ایده‌دار می‌آورد. آسیمه‌هایی چون هزاری و زنگ فرعونگویی، خلیفه بیزدلی، تزیز و حتی قتل نفس، همه این موارد هر طبق‌گام‌ها قابل متأهله است و نشانگر وجود گروهی از زنان است که از لرزش همسر و فرزند نتایگاه هستند. این زنان نه به ازیش خود و افتد و نه اگلیکن، نه همین و آینین خوده دلشداقان این‌وین

به این شیوه و رسالی، توجیه‌ی اقتضاد و منافع
و پایان آن را به کند و لمس را و تهدیر که وفات
مشیخان است پروردیده‌اند. آینه‌گاه نظر نشیده‌دا
کوئی در مقام پیش این ملائمه که منافع و مصالح
ماله شهادت‌آمیزی پیرجا و استوار است که موقوفات
مر دست کشانی بنشد که اهل انتصارات است. از این‌ای
از پیدا آن اگاهی و در اتفاق نیاز احمد طبیعی آن
خارج پس شودند همان‌ها هنگامی که موقوفات به دست
مشیخان لمس را کنند که بر حدود شرع و
منقول در امور مالی تجاوز می‌کنند و بگیر منافع و
مصالح شما استور نشی ملکه اینین همین دین اقتضاد
و اقتضان هر اموال و نیز در تعلیم امور قشت و همین
است که خداوند مولمان را چشم تووصیف کرده
است و دلیل این اذکاری می‌رسد که این مبتدا و
کاربر: خاک‌کاران

تمدد روزگات
سیده در آنکه مباحث اجتماعی خود را تفسیر
قرآن به سلسله تمدد روزگات شماره‌های گند. تمدد
روزگات را مرد و دوست شمرد و باعث آسیب دیدن
به طبقه‌های اجتماعی جو شیوه‌ی می‌داند به نظر او اینکه
تمدد روزگات داری چنان شروط دشواری بود که
کوئی شغل چندمینی فرآوردن بتواند تمدد روزگات
لو را از خود دور کند. اما در ذیل تفسیرش بر این
ایه مطرّح می‌گشد که همان خفتم الانصاف اولی
الطباطبائی فلسفه‌ی امام اطالب عکم من النساجه متنی و
نلاحت و لعل قلن خفتم الانصاف او اینه تو ماماکت
ایام اسلامکم ذلك اذن ان لا تقدیمه^۱ (۲۷-۲۸) عده
فر تفسیر این آیه من گویند: همان ایه مصلّه
تمدد روزگات در سیاست پهلوی از زمان و نهی از
خوردن مال اهلشان - اگرچه به استاد روزجت
پاشد - آمده است. آیه می‌گویند: اگر از تصرف و
خوردن مال زوجه به عنوان خود بجهات منک شدیده بود
شلخت که با او ازدواج نکنند خداوند تعالیٰ در
موضوع این نوع نکند شاشت حق و نیمان ازدواج با
آنکه از خبر نیمان را در شناسایی کرد است اما
اگر همین آن داشته باشد که نتواند میان همسران خود
به حوالات رفتار کند، با اینه ازدواج با کیم زن اکننا
کنیده در موعد بیمه از رعایت کترین علل است احرار
شک و خطا نیز کافی استه اگرچه در چنین اموری
کمتر اتفاق می‌افتد که علم حاصل شود بجهات این
حکم ایامه ازدواج دوسته بسیارهایه بجزی فردی
است که هارفشار مطلاعه خود و شوی داری بدرن
معقول تردیدی باطلی^۲

صلحت دیگری استه در پختن دیگر این آینه
[لئن] جمل کله لکم (لهم) به حفظ مال و اکالی
از لورش آن چون سوس و تاکید شده است، پس
مسلمانان یا بدیهی اهل خود را هدفتند سفر ما
به تنکه‌لری مال خود احصیت می‌دانند و رطای
به دهست آوردن مال از رطایی خالی را به خوبی
من داشتند. این کجاو خطبیان مسلمان‌ها کجا که
مردم را به زد و برو و فراسخ خواهند و ایشان را به
جگشته‌شینی و سنتی سوق می‌دهند به گونه‌ای
که فرد مسلمان از کسب و کار شریف به کاری
و غلط امیری چون غش و جعله گری روی می‌آورد
لورز آین حالت به این دلیل است که طبع انسان از
پکسخو خواندن راضی و قن‌السان است و از سوی
دیگر برای گذره این زندگی، باید در چشیده‌جویی
کسب و کار را بداند و همین دلیل کار و کسب را
بروسی گزیند که کترین کوشش را بطلب دان
کار، کاری است در از شرافت‌الله علاوه بر
آن، این مهارت به زندگ و دوری از زندگی باعثوت به
آخرت همه راه می‌بکشد بلکه با اعطان و خطبیان مله هم
مردم را به زده در دنیا فراسخ خواهند وهم ایشان
و اماز آخرت دور می‌گذند. خسرو الدنیا والآخره
و این نهادت جزو اکالی این واحدان و خطبیان
از بعظ و اقتدر خود مسلمان ائمه باید مردم را به
جمع میان دهبا و آخرت دعووت گردند.^{۳۷}

